



## قراءت

سوره واقعه؛ آیات ۵۷ تا ۸۰.

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ  
 ﴿٥٨﴾ أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحْنُ قَدَرْنَا  
 بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ  
 أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمْ  
 النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ  
 ﴿٦٣﴾ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ  
 حُطَامًا فَظَلَّمْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا لَمُعْرِمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلْ  
 نَحْنُ مُحْرِمُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾  
 أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَاءُ  
 جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي  
 تُورُونَ ﴿٧١﴾ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ﴿٧٢﴾  
 نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَمَتَاعًا لِلْمُقِيمِينَ ﴿٧٣﴾ فَسَبِّحْ  
 بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ  
 لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾  
 فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾  
 تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾

ماییم که شما را آفریده‌ایم، پس چرا [روز رستاخیز را] تصدیق نمی‌کنید؟ <sup>(۵۷)</sup>

آیا از آنچه [که به صورت نطفه در رحم] فرو می‌ریزد، آگاهید؟ <sup>(۵۸)</sup>

آیا شما آن را خلق می‌کنید یا ما آفریننده‌ایم؟ <sup>(۵۹)</sup>

ماییم که میان شما مرگ را مقدر کرده‌ایم و هرگز کسی بر ما پیشی نمی‌گیرد! <sup>(۶۰)</sup>

[آری، مرگ را مقدر کردیم] تا امثال شما را جایگزین شما کنیم و شما را به خلقتی دیگر

که از آن خبر ندارید، ایجاد کنیم. <sup>(۶۱)</sup>

و قطعاً پیدایش نخستین خود را شناختید، پس چگونه متذکر نمی‌شوید (که جهانی بعد از

آن است)؟! <sup>(۶۲)</sup>

آیا درباره آنچه کشت می‌کنید، اندیشیده‌اید؟! <sup>(۶۳)</sup>

آیا شما آن را می‌رویانید، یا ماییم که رویاننده‌ایم؟ <sup>(۶۴)</sup>

اگر بخواهیم قطعاً آن را مبدل به کاه در هم کوبیده می‌کنیم، پس در تعجب [و افسوس]

می‌افتید. <sup>(۶۵)</sup>

[و می‌گویید:] «در خسارت سنگینی قرار گرفتیم؛ <sup>(۶۶)</sup>

بلکه [از رزق و خیر] محروم شدیم.» <sup>(۶۷)</sup>

آیا درباره [این] آب که می‌نوشید، اندیشیده‌اید؟ <sup>(۶۸)</sup>

آیا شما آن را از [دل] ابر سپید فرود آورده‌اید، یا ما فرودآورنده‌ایم؟ <sup>(۶۹)</sup>

اگر بخواهیم آن را شور و تلخ می‌گردانیم، پس چرا شکر نمی‌کنید؟ <sup>(۷۰)</sup>

آیا درباره آتشی که می‌افروزید، فکر کرده‌اید؟! <sup>(۷۱)</sup>

آیا شما [جوب] درخت آن را پدید آورده‌اید، یا ما پدیدآورنده‌ایم؟ <sup>(۷۲)</sup>

ما آن را [مایه عبرت و وسیله] استفاده برای بیابان‌گردان قرار داده‌ایم. <sup>(۷۳)</sup>

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. <sup>(۷۴)</sup>

سوگند به جایگاه‌های [ویژه و فواصل معین] ستارگان. <sup>(۷۵)</sup>

و آن سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید! <sup>(۷۶)</sup>

که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمند، <sup>(۷۷)</sup>

در کتابی نهفته [لوح محفوظ]. <sup>(۷۸)</sup>

که جز پاک‌شدگان بر آن دست نمی‌زنند [که جز پاکان کسی از آن آگاه نیست] <sup>(۷۹)</sup>

[وحیی] نازل شده از جانب پروردگار جهانیان است. <sup>(۸۰)</sup>

## یگانه بی همتا

«خدای من! مرا این عزت بس که بنده تو باشم و این افتخار بس که تو پروردگار منی، خدای من!  
تو همان گونه‌ای که من دوست دارم، بس مرا همان گونه قرار ده که تو دوست داری.»  
امام علی علیه السلام

مهم‌ترین اعتقاد دینی «توحید و یکتاپرستی» است. اسلام دین توحید و قرآن کتاب توحید است. در اسلام بدون اعتقاد به توحید هیچ اعتقاد دیگری اعتبار ندارد. توحید سرلوحه دعوت همه پیامبران بوده است. خداوند در قرآن کریم اخلاق، احکام و همه اعمال فردی و اجتماعی مؤمنان را بر مدار توحید قرار داده است. توحید مانند روحی در پیکره معارف و احکام دین حضور دارد و به آن حیات و معنا می‌بخشد؛

از این رو شایسته است درباره ابعاد این اصل اساسی بیشتر بیندیشیم:

- ۱- حقیقت توحید چیست و مراتب آن کدام‌اند؟
- ۲- مرز میان توحید و شرک چیست؟
- ۳- آیا درخواست از غیر خدا مساوی با شرک است؟

۱- اللهم کن فی عزّا أن أكون لك عبداً و کفی بی فخرًا أن تكون لی ربّاً أنت كما أحيئت فاجعلنی كما تحب؛  
بحار الانوار، مجلسی، ج ۹۱، ص ۹۲.

## توحید و برخی مراتب آن<sup>۱</sup>

توحید به معنای اعتقاد به خدای یگانه است؛ یعنی خدا بی همتاست و شریکی ندارد و این بیانگر اصل و حقیقت توحید است. رسول خدا ﷺ، از همان آغاز رسالت خود، از مشرکان می‌خواست با گفتن جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» دست از شرک و بت‌پرستی بردارند و به خدای یگانه ایمان آورند. با گفتن این عبارت، تمام احکام و حقوق اسلامی فرد به رسمیت شناخته می‌شود و دفاع از حقوق او بر دیگر مسلمانان واجب می‌گردد و در زمره برادران و خواهران دینی قرار می‌گیرد. بنابراین، جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فقط یک شعار نیست بلکه پایندی به آن، همه زندگی فرد مسلمان را در رابطه با خدا، خویشتن، خانواده، اجتماع و دیگر مخلوقات تغییر می‌دهد.

توحید و یگانگی خداوند مراتبی دارد که به برخی از این مراتب می‌پردازیم:

**۱- توحید در خالقیت:** توحید در خالقیت عبارت از این است که معتقد باشیم خداوند تنها مبدأ و خالق جهان است، موجودات همه مخلوق او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد.

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ...<sup>۲</sup> خدا آفریننده هر چیزی است...

**۲- توحید در مالکیت:** از آنجا که خداوند تنها خالق جهان است پس تنها مالک آن نیز هست؛ زیرا هر کس که چیزی را پدید می‌آورد، مالک آن است.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...<sup>۳</sup> آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن خداست.

**۳- توحید در ولایت:** هر کس مالک چیزی باشد حق تصرف و تغییر در آن چیز را دارد، اما دیگران بدون اجازه وی نمی‌توانند در آن تصرف یا از آن استفاده کنند. به این حق تصرف، ولایت و سرپرستی می‌گویند.

... مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ

آنها هیچ ولی [سرپرستی] جز او ندارند

وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا<sup>۴</sup> و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی‌سازد.

از آنجا که خداوند، تنها مالک جهان است تنها ولی و سرپرست جهان نیز هست و مخلوقات، جز به اجازه او نمی‌توانند در جهان تصرف کنند. چنین اجازه‌ای به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست، بلکه بدین معناست که خداوند آن شخص را در مسیر و مجرای ولایت خود قرار داده است.

۱- مباحث درس اول و دوم درباره توحید، برگرفته از مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، صص ۹۹ تا ۱۰۷ و ۱۱۹ تا ۱۳۷ می‌باشد.

۲- سوره زمر، آیه ۶۲.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۰۹.

۴- سوره کهف، آیه ۲۶.

اگر خداوند پیامبر اکرم ﷺ را ولیّ انسان‌ها معرفی می‌کند، بدین معناست که ایشان را واسطهٔ ولایت خود و رسانندهٔ فرمان‌هایش قرار داده است.

**۴- توحید در ربوبیت:** ربّ به معنای مالک و صاحب اختیاری است که تدبیر و پرورش مخلوق به دست اوست. هر کس که خالق و مالک و ولیّ چیزی باشد می‌تواند آن را تدبیر کرده و پرورش دهد. از آنجا که خداوند تنها خالق، مالک و ولیّ جهان است، تنها ربّ هستی نیز می‌باشد. اوست که جهان را اداره می‌کند و آن را به سوی مقصدی که برایش معین فرموده هدایت می‌نماید و به پیش می‌برد.

البته باید به این نکته توجه داشت که توحید در ربوبیت بدان معنا نیست که موجودات، به خصوص انسان، نقشی در پرورش و تدبیر سایر مخلوقات ندارند؛ باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند، رشد این درختان نتیجهٔ تدبیر اوست. بلکه، توحید در ربوبیت بدین معناست که این باغبان و تدبیرش همه از آن خدا و تحت تدبیر او هستند.

کشاورز وقتی خود را با دیگران، یعنی کسانی که در کِشت زمین او دخالتی نداشته‌اند، مقایسه می‌کند می‌بیند که این کِشت حاصل دسترنج خودش است، اما وقتی رابطهٔ خود را با خدا بررسی می‌کند، می‌بیند که هم خودش و هم نیرو و توانش از آن خداست و کِشت و زرع او براساس استعدادی که خداوند در آن قرار داده رشد کرده و محصول داده است. در نتیجه، در می‌یابد که زارع حقیقی و پرورش دهندهٔ اصلی زراعت او خداست و باید شکرگزار او باشد.<sup>۱</sup>

بگو: آیا جز خدا پروردگاری را بطلبیم  
در حالی که او پروردگار همه چیز است؟...

قُلْ أَعْبُدِ اللَّهَ أَبْغَى رَبًّا  
وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ...<sup>۲</sup>

#### بیشتر بدانیم

واژهٔ «رب»، در قرآن کریم از اهمیت فراوانی برخوردار است و بعد از واژهٔ «الله» بیشترین فراوانی را در میان اسمای الهی دارد. کلمه رب بیش از نهمصد بار در قرآن کریم آمده است. عبارت «رَبِّ الْعَالَمِينَ» نیز بیش از چهل بار در قرآن تکرار شده است.

۱- اشاره به آیات ۶۳ تا ۶۷ سورهٔ واقعه.

۲- سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۶۴.

## شرک و مراتب آن

شرک به معنای شریک قرار دادن برای خدا است. هر کس که معتقد باشد خداوند شریک دارد مشرک به حساب می‌آید. شرک نیز مانند توحید درجاتی دارد که متناسب با درجات توحید، به برخی از آنها می‌پردازیم:

**۱- شرک در خالقیت:** اگر کسی معتقد باشد که این جهان را چند خالق آفریده‌اند، گرفتار شرک در خالقیت شده است.

**سؤال:** چرا خداوند در آفرینش جهان شریکی ندارد؟

این تصور که چند خدا وجود دارد و هر کدام خالق بخشی از جهان‌اند، یا با همکاری یکدیگر این جهان را آفریده‌اند، به معنای آن است که هر کدام از آنها محدود و ناقص هستند و به تنهایی نمی‌توانند کل جهان را خلق کنند.

همچنین به معنای آن است که هر یک از خدایان کمالاتی دارند که دیگری آن کمالات را ندارد و گرنه عین همدیگر می‌شوند و دیگر چند خدا نیستند. چنین خدایان ناقصی، خود، نیازمند هستند و هر یک از آنها به خالق کامل و بی‌نیازی احتیاج دارد که نیازش را برطرف نماید. پس تصور چند خدایی صحیح نیست و خدای واحد آفریننده جهان است.

### بیشتر بدانیم

مثال زیر می‌تواند ما را در درک بهتر یکتایی خداوند کمک کند:

دریای بدون ساحل و بیکرانی را فرض کنید که از هیچ جهت محدود نباشد؛ نه از جهت عمق و ارتفاع و نه از جهت طول و عرض، یعنی از هر جهت بیکران باشد. آیا با این فرض می‌توان دریای دومی را در کنار این دریا قرار داد؟

روشن است که این دریا، جای خالی برای دریای دیگر قرار نمی‌دهد. «واحد قهار» بودن خداوند که در آیه ۱۶ سوره رعد بیان شده، به معنای آن است که جای خالی برای غیر باقی نگذاشته است تا آن غیر، خود را نشان دهد.

**۲- شرک در مالکیت:** اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگران هم مالک بخشی

از جهان هستند. اگر کسی معتقد به شرک در خالقیت باشد، معتقد به شرک در مالکیت نیز خواهد بود.

### ۳- شرک در ولایت: اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که

سرپرستی جهان را بر عهده دارند و خودشان حق تصرف در جهان را دارا می‌باشند.

### ۴- شرک در ربوبیت: اعتقاد به اینکه علاوه بر خداوند و در کنار او، دیگرانی نیز هستند که تدبیر

امور موجودات را بر عهده دارند. اگر کسی در کنار ربوبیت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حساب جداگانه باز کند و گمان کند که کسی می‌تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند گرفتار شرک شده است.

## تدبیر در قرآن

الف) با توجه به اهمیت سوره توحید و جایگاه آن در قرآن کریم، در آیات این سوره تدبیر کنید و پیام‌های آن را به دست آورید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ (۳)  
وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

- ۱- .....
- ۲- .....
- ۳- .....

ب) با توجه به آیه ۱۶ سوره رعد، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

بگو پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟	قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
بگو خدا است،	قُلْ اللَّهُ
بگو آیا غیر از او سرپرستانی گرفته‌اید که	قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ
[حتی] اختیار سود و زیان خود ندارند؟	لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا
بگو آیا نابینا و بینا برابر است؟	قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ
یا تاریکی‌ها و روشنایی برابرند؟	أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ
یا آنها شریک‌هایی برای خدا قرار داده‌اند	أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ
که [آن شریکان هم] مثل خداوند آفرینشی داشته‌اند	خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ
و در نتیجه [این دو] آفرینش بر آنان مشتبه شده است	
[و از این روشریکان را نیز مستحق عبادت دیده‌اند؟!]	

۱- فاعل در عبارت «خَلَقُوا» ضمیر «او» است که به شرکاء برمی‌گردد.



قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ  
وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

بگو خدا آفریننده هر چیزی است،  
و او یکتای مقتدر است.

- ۱- کسی را می توانیم به عنوان رب خود انتخاب کنیم که .....
- ۲- کسی که اختیار سود و زیان ..... نمی تواند .....
- ۳- در چه صورت جا داشت که مردم در اعتقاد به توحید در شک بیفتند؟  
(ج) مراتب توحید یا شرک را در آیات ذکر شده مشخص کنید.

.....  
.....

### طرح چند سؤال

مرز توحید و شرک کجاست؟ آیا اگر کسی پزشک را وسیله درمان و بهبود بیماری بداند مشرک است؟ آیا اگر کسی از غیر خدا درخواست کمک کند گرفتار شرک شده است؟ آیا اگر کسی دعا را وسیله جلب مغفرت الهی و صدقه را وسیله دفع بلا بداند مشرک است؟ و بالاخره، آیا توسل به پیامبران و معصومین (علیهم السلام) شرک به حساب می آید؟

در پاسخ به سؤال های فوق می گوئیم :

اولاً خداوند رابطه علیت را میان پدیده های جهان حاکم کرده است. آتش موجب گرما و روشنی و دارو سبب شفا و بهبودی است. پزشک وسیله درمان، معمار عامل بنای ساختمان و معلم نیز وسیله تعلیم و تربیت است.

در امور معنوی نیز همین گونه است. دعا سبب آمرزش، صدقه موجب دفع بلا، و صلّه رحم موجب افزایش طول عمر است.

همه این روابط توسط خود خداوند طراحی شده و به اذن و اراده او صورت می گیرد. بنابراین، کسی که برای آموختن نزد معلم می رود، یا برای درمان به پزشک مراجعه می کند، نه تنها معلم و پزشک را شریک خداوند قرار نداده، بلکه به قانون الهی عمل کرده است.

ثانیاً همان گونه که درخواست از پزشک برای درمان بیمار با توحید منافاتی ندارد، درخواست از اولیای الهی برای اجابت خواسته ها نیز منافاتی با توحید ندارد؛ زیرا پزشک به واسطه استفاده از اسباب مادی و اولیای الهی به واسطه اسباب غیر مادی و با اذن خداوند این کار را انجام می دهند.

عقیده به توانایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اولیای دین علیهم السلام در برآوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن) وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آنها و مستقل از خدا بدانیم. اما اگر این توانایی را صرفاً از خدا و انجام آن را با درخواست اولیا از خداوند و به اذن خدا بدانیم عین توحید است و از این جهت مانند اثر شفابخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است. این توانایی تنها به زمان حیات دنیوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص ندارد و پس از رحلت ایشان نیز استمرار دارد. به عبارت دیگر، روح مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از رحلت زنده است و می‌تواند به انسان‌ها یاری برساند<sup>۱</sup>. اکنون اگر ما از رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی درخواست کنیم، درخواست از جسم ایشان نیست، بلکه از حقیقت روحانی و معنوی ایشان است. آیا اگر کسی از پدر و مادرش و یا هر مؤمنی بخواهد که برای سعادت‌مندی او دعا کند، چنین درخواستی شرک آلود است؟

هیچ گروهی از مسلمانان، غیر از جریانی که امروزه به «تکفیری‌ها» مشهور شده، چنین درخواستی را شرک آلود نمی‌دانند. جریان تکفیری در سال‌های اخیر برخی از جوامع و کشورهای اسلامی را گرفتار خود کرده است. پیروان این جریان فکری خشک و غیرعقلانی با تفکر غلطی که درباره توحید و شرک دارند، هر مسلمانی را که مانند آنها نمی‌اندیشد، مشرک و کافر می‌خوانند و گاه کشتن او را واجب می‌شمارند. پیروان این جریان می‌گویند توسل به پیامبران و معصومین شرک است. طلب دعا و شفیع قرار دادن دیگران برای اینکه خدا انسان را ببخشد، شرک است و همچنین معتقدند این‌گونه افراد کافر هستند و مسلمان محسوب نمی‌شوند.

متأسفانه این جریان، بزرگ‌ترین ضربه را بر اسلام وارد کرد و سبب تنفر برخی از مردم جهان از دین اسلام شد.

### هم‌اندیشی

به نظر شما، چرا دقیقاً در زمانی که مسلمانان در پرتو بیداری اسلامی، در حال معرفی اسلام حقیقی به مردم جهان بودند و حتی جمعیت کشورهای صنعتی به سرعت در حال تغییر به نفع مسلمانان بود، چنین جریانی شکل گرفت؟

۱ - نمونه بارز این موضوع شهیدان هستند که به تصریح قرآن کریم زنده‌اند و مانند زمان حیات در دنیا و بلکه بیشتر از آن، از احوال این دنیا با خبر هستند (سوره بقره، آیه ۱۵۴) و معلوم است که مقام پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله بالاتر از شهیدان است.

جریان «تکفیری» که این روزها گروه‌های مختلف با نام‌های گوناگونی را شامل می‌شود، ریشه در یک جریان تاریخی در تاریخ اسلام دارد. برای شناخت ریشه‌های تاریخی این جریان، به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی به نشانی <http://quran-dept.talif.sch.ir> بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

### ذکر نمونه‌هایی از توسل در قرآن کریم

۱- قرآن کریم نقل می‌کند که فرزندان یعقوب از پدرشان درخواست کردند که برای آنها طلب آموزش کند و یعقوب نیز به آنان وعده دعا داد.<sup>۱</sup>

۲- قرآن کریم بیان می‌کند که استغفار پیامبر در حق گنهکاران مؤثر است:  
 وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا<sup>۲</sup>

اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آموزش می‌خواستند و پیامبر برای آنان طلب آموزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند.

همچنین در تاریخ آمده است که مسلمانان در زمان پیامبر برای درخواست دعا نزد آن حضرت می‌آمدند. پس از رحلت ایشان نیز کنار قبر ایشان می‌رفتند و یا از دور درخواست خود را مطرح می‌کردند.<sup>۳</sup>

۱- سوره یوسف، آیات ۹۷ و ۹۸.

۲- سوره نساء، آیه ۶۴.

۳- سنن دارمی، أبو محمد الدارمی، ج ۱، صص ۴۳ و ۴۴ (باب: اکرم الله نبيه بعد موته)؛ وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، علی بن عبدالله

سهمودی، ج ۲، ص ۵۴۹.

## دانش تکمیلی (۲)

آیا تبرک جستن به قبور یا بارگاه اولیای الهی شرک به حساب می‌آید؟

پاسخ به این سؤال را در وبگاه گروه قرآن و معارف به نشانی <http://quran-dept.talif.sch.ir> بخش «دانش تکمیلی» مشاهده کنید تا ببینید که جز همین گروه‌های تکفیری و ریشه‌های تاریخی آنان، هیچ‌یک از فرقه‌های مسلمان و علمای اسلامی این امور را شرک به حساب نمی‌آورند.

## اندیشه و تحقیق

باور به توحید در خالقیت، مالکیت، ولایت و ربوبیت چه تأثیری در زندگی ما می‌گذارد؟